۵ شنبه ۲۵ جدی
۱۳۵۹
JAN. 15, 1981
شماره ۵۹
سال تأسیس ۱۳۵۹

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

سپاس به رزمندگان دلیر

دو روز قبل بافتخار آنعده از رفقایی که داوطلبانه روانهٔ جبهات نبرد جهت سرکوب دشمنان انقلاب وانجام وظایف تبلیغی و ترویجی گردیده بودند، محفلی ازطرف کمیتهٔ ولایتی کابل حزب د.خ.افغانستان برگزار شده بود، که طی آن به عده ای از رفقا تقدیرنامه های حزبی تفویض گردید.

رفقایی که این محفل بافتخار پیکار خستگی ناپذیر انقلابی آنان برپاگردیده بود مظاهر زنده یی ازقهرمانی کلی حزب ما در زمینهٔ مقابلهٔ دلیرانه در برابر مشکلات عدیده یی که بصورت اجتناب ناپذیر بعد ازپیروزی انقلاب های اجتماعی تبارز مینماید منجمله مقاومت لجوجانهٔ نیروهای اهریمنی ضد انقلاب، میباشد.

ح.د.خ.ا درطول سالهای دشوار مبارزات اپوزیسیونی خویش، تحت شرایط متنوع و گاهی هم بسیار دشوار، به پرورش نسلی از فرزندان برومند وبا ایمانی پرداخته است که همین فرزندان خلف حزب جامعهٔ مارا در کوره راههای تکامل پرجنجال کنونی آن با هوشیاری وبصیرت وبا دلیری و ابتکار رهبری می نمایند.

امروز عمده ترین معیار حزبیت را کار وتلاش پیگیر و صادقانه بخاطر تطبیق عام وتام تصامیم حزب درجهت رهبری و ساختمان جامعهٔ نوین تشکیل میدهد. در زیر آتش حوادث همین روزگار پر از تلاش وتکاپو است که بهترین نمایندگان حزب تبارز می نمایند. امروز در برابر حزب ما وظایفی قرار دارد که از لحاظ اهمیت ومبرم بودن خود هیچ سابقه نداشته است و داشتن برخورد اصولی در امر انجام این وظایف عمده ترین معیار است.

بگفتهٔ رفیق ببرک کارمل شایستگی افراد حزبی را در وضع کنونی نباید تنها با معیار خدمات گذشتهٔ آنان بلکه براساس کار و تلاش کنونی آنان در امر تطبیق اهداف مقدس حزب ما، در کادر پروسهٔ انقلابی کشور و ایمان آنان به امر همبستگی پیکار جویانه بین المللی سنجید.

سپاسگزاری از خدمات رفقایی که دو روز قبل تقدیرنامهٔ حزبی را دریافت نمودند نشان داد که حزب ما چه ارزش عظیمی رانسبت به آن رفقایی قایل میباشد که بی تکلف وساده وبی سروصدا، با وقف وایمان تمام وصرفنظر نمودن از تمام مزایای سطحی که احتمالاً افراد میتوانند کمایی نمایند، به جبهات نبرد رویاروی وتوضیح حقایق انقلاب بمردم ما در نقاط دور افتادهٔ کشور میروند.

بهترین قهرمانان توده ها وزیباترین حماسه های دلیری فرزندان این مرزو بوم در بحبوحهٔ این زندگی پرتکاپو واگنده از حوادث بغرنج ودشوار کنونی تبارز می نمایند. در جریان پیکار برحق بنفع توده های مردم، قهرمانان توده یی، محبوب ترین چهره ها بالا می آیند. ما افتخار داریم که تا کنون محبوب ترین قهرمانان توده یی کشورما ازصفوف حزب قهرمانان وشهیدان، حزب محبوب ماسربلند نموده اند.

ولی باید دانست که دلیری نمونه وار رفقای ما صرفاً یک امر شخصی و تصادفی نبوده بلکه نتیجهٔ منطقی پرورش شریفانه ایست که در دامان حزب و در کنار رفقای رزمندهٔ خویش کمایی نموده اند. هستند کسانی که در گمنامی محض مظهر ناب ترین قهرمان های تاریخ وبرخاسته از اعماق پاک بهترین مظاهر زندگی توده ها اند. مانسبت به این نوع قهرمانان مردم ما سپاس بیکران داریم.

در وضع کنونی که مردم ما نه تنها بر علیه تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بلکه بر علیه مشکلات عدیدهٔ اقتصادی واجتماعی می رزمند، وظایف ذوجوانب وبغرنجی در برابر اعضای حزب ما که مسؤولیت رهبری جامعه رابعهده دارند، قرار دارد. عضو حزب نه تنها باید بمثابهٔ یک مبارز دلیر و خستگی ناپذیر وچون سدی آهنین در برابر مشکلات ولی بدون توقع وادعا برزمد، بلکه باید نمونهٔ درخشانی ازبهترین اخلاق نیک انسانی وانقلابی نیزباشد. اینست بهترین قهرمانی.

بهمان پیمانه ایکه حزب ما فرزندان شایستهٔ خودراعزیز میدارد، ازقهرمان بازی های کودمانه وتظاهرفضل فروشان به قهرمانی های پوشالی جداً نفرت دارد. حزب ماجای عناصر رزمنده وخستگی ناپذیر متواضع، صدیق وبی پیرایه است. وچنین است انتظار توده های مردم. اینست تصوری که توده ها در طول سالهای دشوار مبارزه ازحزب ما برداشته اند.

حزب ما شایسته ترین افراد این کشور را نه تنها، در صفوف خود متشکل ساخته ومیسازد بلکه دروجود همین افراد شایسته بهترین نمونه های سر مشق انقلابی را در راه خدمت به توده های مردم وضدیت برگشت ناپذیر علیه دشمنان انقلاب، تبارز میدهد وازآنان باسپاس تمام تقدیرمی نماید.

روحانیون وزیرستان اعمال غیرانسانی اشرار را محکوم نمودند

علما، روحانیون و مردم شریف وزیرستان هنگام ادای نماز جمعه، اعمال دهشت افگنانه عمال فروخته شده ووابسته به امپریالیزم امریکا، هژمونستهای چین و نظامیگران پاکستان را به شدت محکوم نموده آنرا خلاف شرع و دین مبین اسلام خواندند.

روحانیون بعد از ادای نماز جمعه در خطابه های شان به اعمال شنیع این آدم کشان و دزدان اشاره نموده گفتند آنها بیکه در لباس اسلام و تحت نام مسلمان دست به چنین اعمال می زنند، در واقع بر ضد اساسات دین مبین اسلام عمل می نمایند که این امر خود خلاف اصول اسلامی و خلاف انسانی میباشد.

پشتیبانی هموطنان اهل هنود وسکهـ از تشکیل جبههٔ وسیع ملی پدروطن

هموطنان اهل هنود وسکهـ شهر کابل روز ۲۲ جدی ضمن تجلیل سالگرد تولدی گرو گوبند سنگهـ دهمین جانشین بابه نانک حمایت وپشتیبانی شانرا ازتشکیل جبههٔ ملی وسیع پدروطن که درآینده نزدیک در کشور محبوب ما به میان می آید ابراز داشتند.

درمراسمی که به این مناسبت در درمسال خالصه شور بازار شهر کابل برگزار شده بود بعداز انجام مراسم مذهبی مهرچند رئیس عمومی اتاقهای تجارت بیانیه وسیع وهمه جانبه یی با ارتباط به جبههٔ ملی وسیع پدروطن وبیانیه اساسی رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم در کنفرانس نیروهای وطن پرست در جهت تدارک مقدمات کنگره جبهه ملی وسیع پدروطن ایراد نموده گفت:

باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بالخاصه مرحله نوین تکاملی آن اقشار مختلف کشور از آزادی های وسیع بهره مند گردیده اند ولی دشمنان مردم افغانستان وگماشتگان ارتجاع وامپریالیزم در برابر پیشرفت کشور ما سنگ اندازی مینمایند برای اینکه باز هم به ارتجاع وامپریالیزم جهانخوار جواب دندان شکن بدهیم لازم است همه هموطنان وطنپرست وزحمتکش مادر جبهه ملی وسیع پدروطن از طریق سازمانهای اجتماعی واتحادیه های صنفی متشکل ومتحد گردند.

همچنان درین محفل داکتر هربنسنگهـ وکیم سنگهـ یکی از مبلغین درمسال به نمایندگی ازاهل هنود وسکهـ بیانیه هایی ایراد کردند وضمن آن هرگونه ایثار وفداکاری وحمایت شانرا از تشکیل جبهه ملی وسیع پدروطن ابراز داشتند.

برمبنای اصول اساسی ج.د.افغانستان کلیه اتباع کشور بدون درنظر داشت هرگونه تبعیض وامتیاز از حقوق و وجایب مساوی برخوردار اند و اینان اطفال هموطنان اهل هنود ما اند که درفضای کاملاً مصئون به زبان مادری خویش درس میخوانند.

از رفقای دلیر ولایت کابل تقدیر بعمل آمد

به خاطر قدر دانی و بزرگداشت از آعده رزمندگان قهرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان که طور داوطلبانه برای افشا و درهم کوبیدن دسایس و توطئه های دشمنان انقلاب ما و تنویر مردم شریف و نجیب به ولسوالی های مربوط ولایت کابل رفته بودند و بعد از انجام وظایف انقلابی موفقانه به کابل مراجعت نمودند عصر پریروز محفلی از طرف کمیته ولایتی ولایت کابل ترتیب شده بود.

در آغاز این محفل رفیق صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی از حسن فعالیت تنویری شجاعانه جوانان مبارز حزب که به طور خستگی ناپذیر شب وروز به خاطر سعادت وخوشبختی مردم نجیب و شریف شان مساعی انقلابی به خرج داده اند اظهار امتنان نموده و بیانیه ای ایراد نمود.

طی این محفل چند تن از رفقای حزبی بنمایندگی از سایر همرزمان و رفقای شان به حزب قهرمان ومردم شریف وطن ما وعده دادند همانگونه که در سرکوبی باند های فرستاده شده از خارج دوشادوش قوای مسلح و خارندوی رزمنده و شجاع در گوشه و کنار کشور محبوب ما افغانستان سهم فعالانه و شجاعانه گرفته بودند به همانگونه بطور خستگی ناپذیر و بی هراس از دشواریهای گوناگون و ناملایمات شب و روز در خدمت مردم شان قرار خواهند گرفت وآنها را در امر شناخت از دشمنان واهداف نیک دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان یاری خواهندرسانید.

در اخیر محفل تقدیر نامه هاییکه به پاس فداکاری و تلاشهای خستگی ناپذیر رزمندگان حزبی از طرف کمیته ولایتی ولایت کابل تهیه شده بود توسط رفیق محمد اسلم وطنجار به آنها سپرده شد.

در راه دفاع از انقلاب

گروهی از دزدان وقطاع الطریقان این عناصر ضدانقلاب،شرف وناموس وطن که در مسیر سرک ولسوالی های بلخ، دولت آباد وشورتیپه ولایت بلخ باتهدید وآدمکشی اموال راکبین موترهاو مردم زحمتکش قرای مربوط آن ولسوالی راهی دزدیدند حین ارتکاب اعمال ضد انسانی شان اخیرادر قریه گدک در ولسوالی دولت آباد از طرف قوای امنیتی دستگیر گردیدند.

منبع علاوه نمود هنگام گرفتاری این دزدان وآدمکشان یک مقدار اموال مسروقه بدست قوای امنیتی افتاده است.

* * *

همچنان به خاطر ازبین رفتن گروهی ازاشرار از طرف قوای امنیتی وفعالین حزبی در علاقه داری بورکهٔ ولسوالی نهرین ولایت بغلان مردم زحمتکش وشرافتمند آنجا ابراز مسرت وشادمانی نموده هرگونه کمک وهمکاری شانرادر جهت دستگیری عناصر ضد انقلاب این دشمنان خاک مقدس، انقلاب ومردم زحمتکش ما به دولت انقلابی شان وعده دادند.

طبق گزارش یک منبع ولایت بغلان ازنزد این آدمکشان و دشمنان مردم ما مقدار زیادی سلاح های متنوع ازقبیل ماشیندار وراکت اندازها بایک مقدار اسناد مطبوع که ارتباط شانرا به باندهای ارتجاعی تثبیت مینماید به دست قوای امنیتی آن ولایت افتاده است.

(ب)

اخبار خارجی: واقعیت ها، حوادث

مظاهرهٔ مردم پیشاور:
پولیس پاکستان بی گناهان را شکنجه میکنند

تعداد کثیری از مردم پشاور نظر به روش غیر انسانی ستانه نظامیگران پاکستان و پشتیبانی غیر مجاز و خلاف انسانی آنها از باندیت ها و تروریستان حرفوی که تحت عنوان به اصطلاح مهاجرین افغانی در کمپ های پاکستان از طرف مربیون امریکایی و چینی برای آدم کشی، چپاول، دزدی و غارت تحت تربیه قرار میگیرند. اخیراً دردروازه کابل شهر پشاور دست به مظاهره زدند.

گزارشات رسیده از پاکستان حاکیست. مظاهره کنندگان ضمن تقبیح اعمال این باندیت ها در افغانستان از نظامیان جبار پاکستان خواستند که این قطاع الطریقان و دزدان را از پاکستان خارج سازند.

قرار یک خبر دیگر اوج مخالفت ها بر ضد استقرار نظام دیکتاتوری پاکستان روز تا روز گسترش یافته صدای مخالفت هادر هرگوشه و کنار آنکشور نظامیگران پاکستان را به وحشت انداخته است.

متعلمین مکتب نمبریک شهر مردان پاکستان اخیراً طی یک گردهمایی از مقامات، نظامیگر پاکستان خواستند تا به مردم آنکشور اجازه داده شود که حکومت مردمی شانرا بر اساس انتخابات آزاد و دموکراتیک روی بکار آورند. ولی این عمل دموکراتیک و مسالمت آمیز متعلمین از طرف پولیس پاکستان غیر قانونی اعلام گردیده فوراً به محاصره آنها پرداختند تا از بروز مظاهره و گسترش دامنه آن جلوگیری به عمل آورند.

طبق یک گزارش دیگر عده کثیری از مردم شهر مردان پاکستان بالای یک قطعه عسکری وستیشن های پولیس آن شهرحمله بردندو خساراتی وارد نمودند. مگر پولیس پاکستان که به دست گیری این اشخاص موفق نشده اند اشخاص بی گناه رادستگیر و به آزار و شکنجه آنها میپردازند.

از تیلی تایپ

نیرو های دموکراتیک بنگله دیش مبارزه شانرا برای رهایی هرچه زودتر محمد فرهاد منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست بنگله دیش از زندان ادامه میدهند.

این مطلب در اعلامیه مشترکی که درمورد رهایی فوری وی ورد تمام اتهامات دروغین برضدوی نشر گردیده واز طرف یکعده اعضای پارلمان و رهبران احزاب سیاسی آنکشور به شمول حزب مخالف عوامی لیک بنگله دیش، حزب کمونست، حزب سوسیالیست ملی وسایرگروه ها امضاء شده تذکر رفته است.

جوانان وطن پرست وسازمان های محصلان بنگله دیش نیز ازاین تقاضاها پشتیبانی شانرا ابراز نموده اند.

در اعلامیه گفته شده محمد فرهاد یکی از اشتراک کنندگان فعال مبارزه برای استقلال بنگله دیش بود وهمیشه ازمنافع زحمتکشان قاطعانه دفاع کرده جنبش عدالت اجتماعی را رهبری نموده است.

اعتصاب غذا به خاطر خلع سلاح

در حدود بیست نفر از کشور های مختلف طی یکسال دست به اعتصاب غذا میزنند که هدف آنها حمایت از داعیه خلع سلاح و کمک به کشور های روبه انکشاف است. طبق گزارش فرانسپرس از پاریس پروفیسر الفرید ناهون این جنبش را از پاریس از یازده ماه جدی آغاز کرده است.

دیگر همکاران این جنبش تا اخیر سال دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

الفرید ناهون روز ۲۲ جدی درپاریس گفت که ما به خاطر تطبیق چهار هدف عمده دست به این عمل میزنیم که عبارتند از خلع سلاح، کمک مساویانه پنج درصد عواید خالص ملی به کشور های روبه انکشاف وتساوی حقوق زنان ومردان در تمام حکومات.

علماو روحانیون شریف کشور از انقلاب واستقلال افغانستان دفاع میکنند

امپریالیزم بین المللی به رهبری امپریالیزم جنایتکار امریکا با همدستی استعمارگران انگلیس، شوونیزم فتنه‌گرچین، حکومت نظامیگر پاکستان، محافل ارتجاعی و ضد اسلامی منطقه وجهان، در یك صف نامقدس بعد از شکست وسرنگونی دست نشاندگان و جیره خواران شان در افغانستان با حیل ابلیسی از ماورای سرحدات به فریب و پخش اکاذیب می پردازند. مولوی عبدالعزیز صادق رئیس عمومی شوون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان، به خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور» اظهار داشت که:

مردم غیور، باشهامت و مسلمان افغانستان دیگر باتمام چال و نیرنگ وهدف شوم و فتنه گری دشمنان واقعی اسلام و به خصوص مردم و انقلاب افغانستان آشنا هستند. اینکه محافل مذکور بعد از پیروزی انقلاب بالخاصه بعد از پیروزی مرحله نوین وتکاملی آن، مساله به اصطلاح افغانستان را پیش کشیده‌اند ـ مارا به یاد گذشته های تاریخ کشور ما می اندازند که در زمان مبارزه وقیام مردم افغانستان به خاطر حصول استقلال، انگلیس ها و همدستان تاریخی آن، با مردم ما چه میکردند و به چه چیز ها چشم دوخته‌بودند وهمین مردم آزاده افغانستان به آنها چه درس دادند.

همانگونه که مردم ما از اعمال ننگین و بی شرمانه استعمارگران وامپریالیزم جهان خوار خاطراتی دارند، همان قسم نیز از برخورد و پیش آمد دوستان دیرینه خود نیز خاطراتی دارند که تاریخ کشور ما به آن شهادت می دهد. مردم افغانستان خوب آگاهند که اصلا در افغانستان سوال کفر و اسلام مطرح نیست که دشمنان دیرینه ما آنرا مطرح میکنند، بلکه موضوع این دست وپازدن ها، بخاطر به دست آوردن قدرت سیاسی واقتصادی از دست رفته عمال سرنگون شده ونوکران زر خرید آنها میباشند.

هر گاه سوالی در این مورد مطرح باشد، آن اشخاص و محافلیکه به اصطلاح، کور خود بینای مردم هستند و خودرا حامی و نگهبان اسلام میدانند، بیایند از نزد یك موضوع تضعیف اسلام را به اثبات برسانند که در کدام نقطه کشور ما آثاری از عمل ضد اسلامی حکومت پیدا کرده میتوانند.

مولوی عبدالعزیز صادق اظهار داشت: ریاست عمومی شوون اسلامی ومردم متدین افغانستان حاضر اند، به هر کس و هر مرجعیکه چنین ذهنیت پوچ و میان‌خالی دارند، ثابت سازند که‌اکنون در افغانستان، اسلام واسلامیت نه تنها تضعیف نمی گردد، بلکه گام های استوار و عملی در جهت‌احترام گذاردن به دین مبین اسلام‌و فراهم شدن زمینه بهتر و بیشتر برای ادای مراسم مذهبی و دینی مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان و مذاهب نیز، فراهم گردیده است.

دشمنان ما میدانند که مردم افغانستان با چهره ها و شیوه های عملکرد ابلیسی مآبانهٔ گذشته آنان آشنایی دارند که به جزبازی کردن با اعتقادات پاك اسلامی و مذهبی مردم ما، راهی دیگر سراغ ندارند.

آنها نمی خواهند در کشورما مردم صاحب کار، خانه، نان ولباس باشند، بلکه آنهانیت سرکوبی نیرو های مترقی ووطن پرست را دارند که این آرمان را به گور خواهند برد.

مردم افغانستان به دایه گان امریکایی، چینی، انگلیسی، مصری و غیره اصلا ضرورت ندارند که‌درس اسلامیت و دفاع از اسلام رابرای شان بدهند.

بسیار مضحك و خنده آور است که مرتد های امریکایی ویهودی با همدستی سادات خاین به اشغال و معامله‌گری اماکن مقدسهٔ تمام مسلمانان بی شرمانه اقدام می کنند و دریك مکان مقدس «اسلامی» منحرفین کثیف امریکایی، یهودی و مصری دست به جنایات و انحرافات اخلاقی می زنند ولی بی شرمانه‌در سرزمین اسلام دوست افغانستان، موضوع تضعیف اسلام را خاینانه و محیلانه مطرح میکنند.

اینك‌که مردم افغانستان‌بعد از مرور اضافه از نیم قرن، حاکم به سرنوشت خودشده اند وبخاطر اعمار جامعه شگوفان و مترقی گام بر میدارند، بگذار راهی راکه برگزیده‌ایم‌طی نماییم وچون چهره کثیف این مسلمان‌نماها‌را خوب‌و بهتر شناخته‌ایم لذا بدون توجه به سنگ اندازی و ایجاد موانع در این راه، گام های بلند تروقاطع‌تری خواهیم برداشت.

رئیس عمومی شوون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان در باره فعالیت های این ریاست بعد از پیروزی مرحلهٔ نوین تکاملی انقلاب شکوهمند ثور اظهار داشت: در اثر توجه‌حکومت ومطابق به احکام صریح مواد مندرج در اصول‌اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان که تقویت و ایجاد هرگونه تسهیلات را از وظایف مهم دولت شمرده، ریاست جمعیت العلما به اثر فرمان (٦٤٧) مورخه ٩ر٤ر٥٩ هیات رئیسه شورای انقلابی، بریاست عمومی شوون اسلامی ارتقا یافت و از چوکات وزارت عدلیه ولوی خارنوالی مجزاء ومنحیث یك واحد دومی در چوکات مقام صدارت عظمی منظور و به فعالیت آغاز نمود که‌پرسونل مسلکی آن مطابق به لایحه وظایف تعیین شده، به خصوص اعضای بورد تبلیغات ریاست عمومی شوون اسلامی، همکاری وسیع و همه‌جانبه را در رادیو تلویزیون، مساجد تکیه خانه ها، مقابرو محافل مذهبی، مطابق احکام دین مقدس اسلام بیشتر از پیش گسترش داده و مضامین ومطالب طرف ضرورت مدیریت عمومی نشرات را در مجله ماهوار «پیام حق» ارگان نشراتی این ریاست به‌نشر می‌رسانندو نشرجریده پانزده روزه دیگر نیز در نظر است. گذشته از آن در تشکیل جدید اعضای مسلکی ولایات دو نفر وسه نفر منظور گردیده است که ولایات کندز، بلخ، هرات وکندهار و ننگرهار درین جمله شامل اند.

مولوی صادق اظهار داشت که موذنین، امامان ومدائین بعد از سپری نمودن امتحان از خدمت دورهٔ مکلفیت معاف میگردند که‌این خود مثال دیگری از احترام گذاردن به دین مقدس اسلام است. همچنان هیات شوون اسلامی افغانستان درمجامع بین المللی و کنفرانس‌های اسلامی نیز اشتراك نموده است. در تشکیل جدید، مدیریت مساجد از چوکات ښاروالی لغو و به این ریاست ملحق گردیده که نظر به پلان مرتبه، ارتقاء بیش از (چهل) مسجد صغیر به اوسط و(سی) مسجد اوسط را به جامع، ازنگاه گنجایش و تسهیلات در ساحات پروژه های خیر خانه، خوشحال خان و دیگر پروژه های مسکونی جدید التاسیس، نظر به درخواست اهالی مناطق مذکور، با کمك مالی وتخنیکی ریاست انکشاف دهات وزارت فواید عامه و دیگر موسسات اقدام بعمل می آید که این کار با فعال شدن مدیریت جدید التاسیس (تعمیرات) که دارای شعبات مهندسی، رنگمالی، نجاری ومعماری خواهد بود، در سال ١٣٦٠ زود تر عملی خواهد شد.

رئیس‌عمومی شوون اسلامی جمهوری دموکراتیك افغانستان اظهار داشت، هم اکنون در چوکات‌ریاست شوون اسلامی بیش از (دو هزار) نفر از علما و روحانیون شریف کشور در دفاع از دست آورد های انقلاب ثور قرار دارند که‌از آغاز انقلاب تاکنون درحدود چهل نفر از علمای وطن پرست ما از جانب عناصر خاین بوطن و دشمنان دین به شهادت رسیده اند که‌این خود پایداری و استقامت روحانیون کشور رادر جهت دفاع از انقلاب و مردم نشان میدهد.

نوت: بعد از مرحله‌نوین پانزده نفر علما شهید شده اند

دوستان انقلاب افغانستان میگویند

هراس از حقیقت

روز نامهٔ «سلواك پراودا» چاپ شهر براتیسلاوای جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا مینویسد باوصف فعالیت های دشمنانه ارتجاع بین المللی زندگی سیاسی واقتصادی‌در جمهوری دموکراتیك افغانستان روز تا روز استحکام بیشتری مـی‌یابد.

«سلواك پراودا» مینگارد با وصف‌بعضی مشکلات، فعالیتهای اقتصادی در افغانستان در سال ١٩٨٠ به‌مقایسه سال ١٩٧٩ بیشتر گردیده است.

این نشریه‌ضمن اشاره به‌تلاشهای‌دشمنانه وسایل مفاهمه جمعی بورژوازی غربی در مورد مسافرت سه‌نماینده پارلمان انگلستان از کابل مینویسد: حلقه های بورژوازی‌غرب از برخورد با حقیقت هراس دارند.

سلواك پراودا در اخیر مینگارد این‌تلاش محافل غربی که برای تجرید افغانستان به کار بسته میشود باناکامی کامل مواجه گردیده است.

«شش روز درافغانستان»

ایالات متحده امریکا منبع اصلی‌تدارك اسلحه برای باند های ضد انقلابی در افغانستان به خصوص‌از طریق پاکستان بوده و میباشد.

این مطلب را ذکریا شاهین یك‌ژورنالیست معروف فلسطینی که اخیراً از افغانستان دیدار به عمل‌آورده اظهار نموده است.

وی در کتابی تحت عنوان «شش‌روز در افغانستان» که در بیروت منتشر ساخته می نویسد: دشمنان‌مردم افغانستان به صورت بلا وقفه از طرف ایالات متحده امریکا اسلحه‌و بم های کیمیاوی برای براه‌انداختن اعمال خرابکارانه در افغانستان به‌دست می آورند.

وی می نویسد حکومت امریکا، سایر کشور هارانیز به دادن‌اسلحه و مهمات نظامی به ضد انقلابیون‌در افغانستان ترغیب می نماید.

ذکریا شاهین می نگارد که باندهای ضد انقلابی در افغانستان از طریق هوا، از راه های آبی واز طریق‌خشکه (شاهراه قراقرم) توپهای دافع هوا و ضد تانك و سایر مهمات‌نظامی از جانب چین دریافت می دارند و جای شك باقی نمی ماند که‌سرویس های جاسوسی امریکا در انتقال اسلحه و مهمات نظامی به‌باند های ضد انقلاب در افغانستان سهم بارز دارند.

وی در این کتاب به تفصیل درموردچگونگی مسافرتش به افغانستان و مذاکره با رهبران سیاسی وسازمان های اجتماعی کشور صحبت نموده است.

ذکریا شاهین نوشته است‌سفرش به‌افغانستان‌در زمانی صورت گرفت که‌غرب پروپاگندهای دشمنانه‌یی را علیه افغانستان به راه انداخته بود ولی سفرش به افغانستان این‌ادعای دروغین و شایعات حلقه های پروپاگندچی غربی را رسواساخت. زیرا هنگامیکه وی مصروف دیدار از افغانستان بود اوضاع درآنجا به کلی حالت عادی را داشت.

وی نگاشته است در میتنگ هایی‌در کابل اشتراك ورزیده است که مردم افغانستان اسلحه به‌دست‌تمایل شانرا برای سهمگیری در دفاع از دست آورد های انقلاب ثور ابرازداشتند.

مولف این کتاب به تفصیل درمورد پیشنهادات رهبری جمهوری دموکراتیك افغانستان برای برقراری روابط دوستانه با کشور های همسایه مخصوصاً پاکستان وایران‌به اساس اصول همسایگی نیك، عدم مداخله در امور یکدیگر، همکاری‌پر ثمر و متقابله تماس گرفته است.

ذکریا شاهین عقیده دارد که‌ابتکارات پیشنهاد شده افغانستان که به تاریخ بیست و چهارم ثور ارایه شده اساس درست حل سیاسی و برقراری روابط متقابله بین‌جمهوری‌دموکراتیك افغانستان و پاکستان می باشد.

نامه های مردم

رفیق حکیم‌الله قربانی، معاون شورای ولایتی اتحادیه های صنفی ولایت بلخ!

نامه شما را دریافت داشتیم و در مورد پیشنهادی که درین نامه ارائه نموده بودید باید خاطر نشان سازیم که روز نامه حقیقت انقلاب ثور مشی نشراتی خاص خویش را داشته و همیشه تلاش می نماید تا مطالب سود مند و جالبی را مطابق خواست وذوق کلیه خوانندگان خویش به نشر بسپارد و از جانب دیگر صفحات محدود روز نامه اجازه نمیدهد تا مطالب پیشنهادی شما را که یکبار از طریق رادیو آنرا شنیده اید بار دیگر به نشر برسانیم.

در انتظار نامه های بعدی شما. تشکر

* * *

همچنان نامه یی داریم از دوست محترم خیرمحمد محتاط عباسیار مدیر مالیات انفرادی مستوفیت کابل.

ایشان طی‌این‌نامه خویش‌پیشنهادی را در مورد تنظیم اوقات شروع وختم حاضری کارمندان، اجیران وکارگران دولت در طول سال، مطرح ساخته اند که ما آنرا عیناً به مرجع ذیصلاح سپرده ایم وامیدواریم‌مقامات مربوط پیشنهاد شان را مورد توجه قرار دهند.

ازین دوست گرامی خویش‌سپاسگزاری نموده منتظر نامه های بعدی شان میباشیم.

حزب وجبههٔ ملی پدروطن

درك قانونمندی های تکامل تاریخی و آگاهی ازواقعیات موجود، پایه موفقیت مشی سیاسی معین را تشکیل می دهد. بهمین جهت توجه به درجهٔ رشد عینی جامعه و مناسبات متقابل کلیه طبقات واقشار اجتماعی و روابط متقابل با جوامع دیگر بطور کل مبنای مشی درست سیاسی ودلیل موفقیت حزب دموکراتیك خلق افغانستان در مبارزهٔ انقلابی از پیدایش آن تاکنون بوده است.

پایه گذاری جبههٔ ملی پدر وطن نیز بیان صریح درستی مشی سیاسی حزب، اصولیت ودرك واقعبینانهٔ آن از چگونگی شرایط سیاسی، اجتماعی میباشد. که قطعا دورنمای روند انقلابی را با دورنمای ساختمان جامعهٔ نوین در کشور پیوند سرشتی می دهد.

با تشکیل جبههٔ ملی پدر وطن یکی از عوامل عمده داخلی تحقق جامعهٔ عدالت اجتماعی در کشور ما یعنی، گسترش فعالیت و ابتکار سیاسی توده های زحمتکش که رهبر کارگران جهان آن را بر انگیختن و رشد دادن تمایل توده ها به «تفکر مستقل سیاسی و فعالیت مستقل سیاسی» می نامید، مهیا می گردد واین یکی از پر اعتبار ترین وثیقه های تحکیم مبانی ساختمان جامعهٔ نوین است.

واما مسالهٔ رهبری جبههٔ ملی پدر وطن.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان مسالهٔ رهبری‌را در گسترهٔ انقلاب وجامعه، در تمامی جهات آن، به عنوان نتیجهٔ منطقی پروسهٔ تحول انقلابی در کشور همروند با افزایش نقش طبقهٔ کارگر و جریان اتحاد آن با همه نیرو های انقلابی ودر درون این اتحاد طرح ودرك مینماید.

این امر به چه معنی‌است؟ حزب از آغاز پیدایش‌معتقد بوده است که «تامین سرکردگی طبقهٔ کارگر تنها به اراده این طبقه وخواست حزب وی مربوط نیست» مبارزه واین امر که درجریان آن چه کسی هژمونی را به دست می گیرد عامل تعیین کنندهٔ مساله است. به عبارهٔ دیگر حل مساله سر کردگی جنبش در آزمونگاه پیکار بر اساس اعتماد توده ها ودر جریان فعالیت سیاسی آنان حل می شود.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان به مثابهٔ پیشآهنگ رهبری کنندهٔ انقلاب وتمام تحولات مترقی‌ناشی ازآن هیچگاه ضرورت‌اتحاد نیرو های مردم رادر روند انقلاب انکار ننموده‌و بدان اعتقاد راسخ داشته است. حزب ما عقیده داشته که ایجاد شرایط به منظورفعالیت مشترك در سمت همکاری موثر و صادقانه به سود نیرو های مردم وظیفه‌یی سیاسی است که در برابر نیرو های پیشرو قرار دارد، باید با تمام توان به این وظیفه پرداخت و ازهرگونه نیرنگ دیپلماتیك در زمینه احتراز نمود.

حزب ما به استناد طرح های مرامی و ده ها اسناد دیگر، باوجود توانایی و رسوخ عظیم آن در جنبش وجامعه، مبتنی بر ارزیابی روند ویژه و دشوار تحول انقلابی در خاور، حتی قبل از انقلاب بانظریات ماجرا جویانه و ذهنی گرایانه آنانی که نقش جریان مبارزه و اعتماد مردم را در تعیین سرکردگی جنبش انکار مینمودند و به سیاست «یاسرکردگی یا هیچ» معروف است و توسط گروهك های تیپ مائویستی ارائه میگردید، مطلق‌نمودن سرکردگی و پیش شرط گذاشتن ذهنی و از قبل دیکته نمودن آن را محکوم ومساله را اصولا به‌چگونگی تکامل جنبش و آن چنانکه تذکر رفت به تجربهٔ عملی توده ها مربوط می دانست. علت دیگر این مشی عبارت از آن بود که هر نوع پیش شرط گذاری در ارتباط باسرکردگی میتوانست ساحت اعتماد نیرو های ملی ودموکراتیك را محدود نماید و عملا به امر تفاهم واتحاد عمل آنها که در سرانجام پیروزی روند بغرنج و دشوار انقلاب ملی، دموکراتیك نقش کلیدی دارد، ضربت جدی وارد سازد.

ما معتقد بوده ایم که: «اگر مبارزه نتواند نیرو های سالم ملت را زیر پرچم خود متحد سازد، به شکست محکوم خواهد شد» و اما طبقهٔ کارگر و حزب آن باید بتوانند در جریان مبارزه سرکردگی را بدست بگیرند. معلوم بود که نیل به سرکردگی طبقه کارگر و حزب آن در جنبش منوط به صحت امر رهبری حزب و تجربهٔ اعتماد توده هامی باشد.

پیروزی انقلاب ثور و به خصوص مرحلهٔ نوین تکاملی آن تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان حقانیت و صحت رهبری حزب را به اثبات رسانید و حزب را به نیروی سیاسی بازهم تواناترسازمان دهنده و رهبری کنندهٔ جنبش انقلابی وجامعه‌در کلیه جهات آن تبدیل نمود وباوجود خرابکاری های وسیع دشمنان سیاست سنجیده و پخته و اصولی حزب طبقه کارگر و همهٔ زحمتکشان کشور ماتوانست جریان افزایش اعتمادمردم را نسبت به خود تشدید نماید.

حزب ما به مثابهٔ حزب حاکم و با درنظر داشت‌نقش سازمانده ورهبری کنندهٔ آن در جنبش‌وجامعه هم اکنون با توجه به اهمیت و لزوم وحدت همه جانبهٔ نیرو ها متکی برمشی اصولی و درست آن است که در مقطع جاری تشکیل جبههٔ ملی پدر وطن را مطرح می سازد.

نیت حزب درین زمینه این امر را تصریح می کند که تشکیل جبههٔ ملی پدر وطن امکان رهبری موثر تروقاطع ـ ترمبارزهٔ زحمتکشان را به میان آورد.

رهبری حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان در جبههٔ ملی پدروطن تسجیل کننده خصلت جبهه در چوکات: تجمع توده های وسیع‌مردم از طریق سازمان های سیاسی و اجتماعی آنان در مبارزهٔ پیگیر با امپریالیزم وارتجاع بر پایهٔ برنامهٔ اعمار جامعهٔ نوین عدالت اجتماعی میباشد.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان با تاکید روی مختصات مشخص جبههٔ ملی پدر وطن که طریق بغرنج هم آهنگ ساختن نیروها را متناسب با خصوصیات جامعهٔ افغانی در بر دارد، نقش رهبری کنندهٔ حزب را در درون جبهه‌و در کنار سایر نیرو ها و سازمان ها معین نموده است.

این مشی بیانگر صداقت حزب ما در جهت‌همپیوستگی هر چه گسترده تر نیروهای ملی، دموکراتیك است.

رابطهٔ حزب با جبههٔ ملی پدروطن به عنوان رهبری کننده آن، در درون جبهه ودر کنار سایر نیرو ها دقیقاً با واقعیات عینی جامعه انطباق کامل دارد.

(سپار ك)

اخبار خارجی : واقعیت ها ، حوادث

به آثار فرهنگی و تاریخی سفارت شوروی در تهران زیان بزرگی وارد شده است

سفیر ایران در مسکو روز ۲۳جدی به وزارت خارجه اتحاد شوروی احضار و به وی گفته شد که حکومت اتحاد شوروی ضروری می داند تا بار دیگر سوال مربوط به اطمینان در مورد حفظ دفاتر اتحاد شوروی و پرسونل آن را در ایران مورد مطالعه قرار دهد.

به گزارش تاس وزارت خارجه اتحاد شوروی طی بیانیه یی که به سفیر ایران درمسکو تسلیم داده شده خاطر نشان کرده است که حمله جنایتکارانه بیست و هفت دسامبر بر سفارت آنکشور در تهران که با وحشیگری همراه بود نه تنها خسارات مادی بار آورد بلکه به آثار فرهنگی و تاریخی در آن محل زیان بزرگی وارد کرد.

وزارت خارجه اتحاد شوروی بیان داشته است. این حمله بر سفارت آنکشور در تهران تخطی از نورم های مناسبات بین دو کشور، دور از مقاولات کنوانسیون های بین المللی و عدول از ایده های اساسی کشور های متمدن میباشد.

وزارت خارجه اتحاد شوروی درین بیانیه گفته است مقامات ایرانی قبلا می دانستند که برای حمله بر سفارت اتحاد شوروی در تهران آمادگی قبلی گرفته شده است ولی باوصف آن تدابیر موثری برای جلو گیری از آن اتخاذ نگردید و به این ارتباط حکومت اتحاد شوروی قبلا نیز علیه حکومت ایران احتجاج نموده است.

درین بیانیه گفته شده که طرف اتحاد شوروی انتظار دارد که حکومت ایران به صورت واضح این جنایت را به شدت تقبیح نماید و تنظیم کنندگان و کسانی را که در حادثه حمله به صورت مستقیم شرکت داشتند شدیداً مجازات نمایند تا بروز چنین حوادثی در آینده از تصور خارج باشد.

وزارت خارجه اتحاد شوروی با ابراز تاسف در مورد این حادثه رسماً اعلام داشته است که نطاق رسمی حکومت ایران در واقع حمله کنندگان را در پناه خود قرار داد و زیاده بر آن اظهارات عمومی که از طرف مامورین عالیرتبه ایران درین مورد صورت گرفت تقبیح این عمل وحشیانه را در بر نداشت.

چنین بیانیه ها تمایل جدی درانگیزه فعالیت های دشمنانه علیه دفاتر اتحاد شوروی در ایران بوده و مبین سوال در مورد بی توجهی در مقابل نمایندگی ها و اتباع کشور همسایه که دوست ایران است میباشد زیرا اتحاد شوروی اولین کشوری بود که از انقلاب ضد سلطنتی در ایران حمایت و از مردم ایران در مبارزه شان علیه نیرو هایی که در صدد مختنق ساختن انقلاب ایران بودند جانبداری عملی سیاسی و معنوی نمود.

درین بیانیه تاکید گردیده، اتحاد شوروی مانند گذشته آماده است تا روابط خود را با ایران بر اساس احترام متقابله و همسایگی نیک تقویت بخشد.

در عین حال جای شك و شبهه باقی نمی ماند در صورتیکه حکومت ایران آرزو نداشته باشد و یا خود را در حفظ وظایفش در مقابل حفظ دفاتر و اتباع شوروی در آنکشور قادر نه بیند اتحاد شوروی خود حقوق ومنافع مشروع خود را در ایران حفظ خواهد کرد.

اتحاد شوروی انتظار دارد تا غرامت کامل خسارات وارده برسفارت آنکشور در تهران پرداخته شود.

تبصره سیاسی

پرابلم فلسطین : هسته معضله شرق میانه

بیشتر از سه دهه است که شرق میانه در نتیجه سیاست اشغال وتجاوز نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده امریکا بیك بستر داغ تشنج نظامی وسیاسی مبدل شده است. ادامه سیاست اشغال وتجاوز نظامی هر روز بر شدت وخطر تبدیل این تشنج بیك بر خورد مسلحانه گسترده تر درین منطقه از جهان افزوده ومجموع اوضاع بین المللی را به وخامت انفجار آمیزی کشانیده است.

تجربه تاریخی بیشتر از سی سال گذشته بیانگر آنست، تا زمانی که پرابلم اساسی، یعنی اعاده حقوق انتقال ناپذیر ملت فلسطین برای تعین سرنوشت وتشکیل یك دولت مستقل ملی فلسطین به مثابه هسته تمام معضله خاور میانه حل وفصل نگردد، هرگز صلح عادلانه وپایدار، نه صلح «مدل» امریکایی صلح از قماش سازش رذیلانه و خاینانه کمپ دیوید، در شرق میانه استقرار نمی یابد.

فلسطین مبارز درو جود یگانه نماینده قانونی آن، سازمان ازادی بخش فلسطین که یکجا با جبهه ملی پایداری درسنگر مقدم مبارزه بر ضد توطیه وتجاوز امپریالیستی صهیونیستی و سادات خاین میرزمد، نه تنها در برابر تجاوز وحشیانه اسرائیل در جنگهای (۱۹۴۸-۱۹۴۹) و ۱۹۶۷ و جنگ (۱۹۷۳) قهرمانانه ایستاد بلکه به مبارزه متهورانه در راه تامین حقوق مشروع وعادلانه برای تعیین سرنوشت وتشکیل دولت مستقل ملی فلسطینی ادامه میدهد.

باوجود اینکه حل جامع وعادلانه پرابلم شرق میانه، که مسئله فلسطین هسته مرکزی آن رامی سازد، درمرکز توجه ومساعی کشور های سوسیالیستی، جنبش عدم انسلاك وافکار مترقی جهان قرار دارد. قدرتهای امپریالیستی غرب، محافل صهیونیسم بین المللی و سنگر گاه عمده آن ها درشرق میانه، دولت صهیونیستی اسرائیل تلاش دارند راه رادرین جهت مسدود سازند وبدین وسیله ترازیدی مصیبت بار ملت فلسطین را تمدید وازحل این مسئله که برای صلح درشرق میانه وجهان حایز اهمیت مبرم وعاجل است جلوگیری بعمل اورند.

اسرائیل تجاوزگر برای دایمی ساختن رژیم اشغال در سرزمین های اشغالی جنگ (۱۹۶۷) دسیسه «سیاست معامله جداگانه» را سر هم بندی نمود که سادات خائن به مثابه مکمل این سیاست اشغالگرانه صهیونیست ها عمل می کند.

گردن گذاری سادات خیانت پیشه در برابر میناخیم بیگن این تروریست شناخته شده و جیمی کارتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا که به معامله جداگانه کمپ دیوید منتج گردید. همانطور یکه انتظار میرفت کوچك ترین کمکی برای تامین صلح در شرق میانه نکرد، وبه رسوائی طراحان آن انجامید.

دسیسه کمپ دیوید، که به عنوان «پیروزی دیپلماسی کارتر» اشتهار اسفناکی کسب کرده است، و قرار معلوم طوریکه ریچارد الن مشاور رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب امریکا در امور امنیت ملی، تذکرداده ریگان هم این بهاصطلاح آبروی ریخته شده رابه عنوان چوکات قابل قبول برای سیاست شرق میانه حکومتش ارزیابی نمود، عملا «قوه حرکت» خودرا ازدست داده است، تنظیم کنندگان این دسیسه ضد جنبش ازادی بخش ملی عرب در کشانیدن سایر کشورها درین معامله خائنانه ناکام ماندند زیرا رهبران این کشور ها سازش سادات، بیگن رابه عنوان اقدامی که مستقیماً بامنافع حیاتی تمام کشور های عربی در تضاد است، ارزیابی وتقبیح نموده اند.

فلسطین قهرمان که حمایت وسیع افکار مترقی سراسر جهان رابا خود دارد قاطعانه علیه توطئه کمپ دیوید و((پلان بیگن)) که مضمون اصلی آنرا دایمی ساختن رژیم اشغال در اراضی اشغالی، توسعه نا محدود کنترول اسرائیل متجاوز به این اراضی وتدارك شرایط برای الحاق این اراضی رامیسازد می رزمد.

محاسبات کارتر، سادات بیگن برای خفه کردن جنبش ازادی بخش ملی عرب وجنبش ازادی بخش زحمتکشان فلسطین کاملا غلط از آب در آمد. جنبش مقاومت فلسطین که درپیشاپیش آن سازمان آزادی بخش قرار دارد، پرستیژ بین المللی پر اعتباری کسب نموده وبه پیش آهنگ مبارزه جنبش آزادی بخش ملی عرب، مبدل گردیده است.

سالهای (۱۹۷۳) و (۱۹۷۴) دوران تعیین کننده در راه شناخت بین المللی سازمان آزدی بخش فلسطین بشمار میرود. درین سالها، در کنفرانس های رباط والجزایر سران عرب، سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان یگانه نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت وبعداً اسامبله عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه (۳۲۳۶) را به تصویب رسانید که به موجب آن حقوق انتقال ناپذیر ملت فلسطین رابرای تعیین سر نوشت، استقلال، حاکمیت ملی و حق آنها را برای برگشت به وطن شان تائید نمود. همزمان بااین، اسامبله قطعنامه (۳۲۳۷) را تصویب نمودکه به اساس آن سازمان آزادیبخش فلسطین بحیث ناظر درسازمان ملل متحدوسایرسازمان های مربوط به این موسسه جهانی شرکت می ورزد.

درسال ۱۹۷۵ اسامبله عمومی ملل متحد، کمیته در باره اجراء حقوق انتقال ناپذیرمردم فلسطین را تاسیس نمود این کمیته در جریان پنج سال گذشته درزمینه شناخت سازمان آزادیبخش فلسطین وسیعاً کار نمود.

تدویر ده ها کنفرانس همبستگی بین المللی از جمله بر گزاری کنگره جهانی همبستگی با مبارزه مردم عرب وعرب فلسطین دربروسل نمونه یی از همبستگی رزمجویانه افکار عامه جهان باداعیه عادلانه ومشروع مردم فلسطین است.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان وجمهوری دموکراتیك افغانستان به تاسی از سیاست اصولی پیگیر در سنگر همبستگی با مبارزه زحمتکشان عرب که در راه دفع وطرد تمام آثار تجاوز امپریالیستی وصهیونیستی و برای تامین صلح عادلانه وپایداردر شرق میانه مبارزه میکنند قرار دارد ومعتقداست صلح عادلانه وپایدار فقط برمبنای حل جامع بحران خاور میانه وبه اشتراك تمام جوانب ذیدخل بشمول سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه یگانه نماینده قانونی مردم عرب فلسطین اخراج تمام قوای اشغالگر اسرائیل از سر زمین های اشغالی، حق تعیین سر نوشت مردم فلسطین بشمول حق تشکیل دولت مستقل ملی فلسطین، میتواند تامین گردد.

بدون تردید آغاز هفدهمین سال درمبارزه آزادیبخش فلسطین پیروزی های نوینی را نصیب جنبش آزادی بخش ملت فلسطین خواهد نمود و سنگر های جدیدی را در مبارزه تسخیر خواهد کرد.

پیروزی ازآن فلسطین مبارز و قهرمان است.

((حصار))

هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی

جهان متشکل است ازپدیده های مادی و پدیده های معنوی دو مقوله «هستی اجتماعی» و «آگاهی اجتماعی» نشان دهنده و انعکاس دهنده دو جنبه مادی و معنوی حیات جامعه میباشد که لازم است با محتوی آن آشنا شویم.

الف

در واقع پدیده های اجتماع انسانی بطور کلی بر دو نوع هستند:

- یا پدیده ها و روندهای مادی، یعنی مستقل از فکرو ذهن و اراده و شعور انسانانند وبطور عینی وجود دارند.

- یا پدیده ها وروند های معنوی، یعنی حاصل فکر و اندیشه و شعور انسانانند.

هستی اجتماعی چیست ؟

هستی اجتماعی عبارتست از مجموعه عناصر زندگی مادی جامعه :

- چار چوب کیهانی - جغرافیایی،

- شرایط نفوس و تراکم جمعیت،

- عوامل مختلف محیط زندگی پیرامون،

- تمام اشیاء و مواد یکه توسط انسان تولید شده و موجودیت مادی دارد و به جزیی از شرایط و محیط بدل شده اند.

- تمام مناسبات وارتباطات مادی - یعنی عینی و مستقل از ذهن - که بین انسانها و طبعیت وبین خود انسانها در جریان کار ایجاد میشود. که این مناسبات در مجموعه حیات مادی جامعه نقش درجه اول رادارد در آخرین تحلیل در پیدایش آگاهی اجتماعی نقش تعیین کننده دارد.

ب

آگاهی اجتماعی چیست ؟

آگاهی اجتماعی عبارتست از مجموعه عناصر و پدیده هائیکه انعکاس حیات مادی، در آگاهی و شعور انسانها هستند.

به عباره دیگر آگاهی اجتماعی عبارتست ازشناخت و ارزیابی واقعیت اجتماعی در سطوح مختلف، از سطح شناخت خود بخودی وساده تا سطح منسجم ایدیولوژیك و تیوریك.

شعورفردی: انعکاس واقعیت است در آگاهی یك انسان و دقیقتر جهان درونی روحی و نفسانی یك فرد جداگانه است نه مجموعه از افراد.

تفاوت بین آگاهی و شعور فردی چیست ؟ آگاهی اجتماعی بازتابی است عمیقتر، همه جانبه تر و تعمیم یافته تر، انعکاس هستی اجتماعی است در تمامی بغرنجی خود ودر سطح تمامی جامعه. بنابرین آگاهی اجتماعی حاصل جمع ساده شعور انفرادی افراد بشر نیست بلکه مقوله کیفیتاً متفاوتی است.

پ

آگاهی اجتماعی دارای ساخت بغرنجی است. در آگاهی اجتماعی میتوان سطوح مختلف افقی و عمودی تمیز دادو در هر یك آنها نیز انواع گونا گونی.

در سطح عمودی :

درین سطح یعنی از پایین به بالا آگاهی اجتماعی را می توان بویژه از دو نظریا بدو صورت مشخص نمود :

۱- آگاهی عمومی و متعارفی (روحیه اجتماعی) مشتمل بر : مجموعه تصورات، اداب و رسوم و روحیات اجتماعی، ذوق وسلیقه عمومی که جنبه عادی و عملی دارد و بشکل خود بخودی در جریان تاریخ اجتماع و مسیر زندگی شکل میگیرد و به افراد جامعه القاء میشود.

۲- آگاهی سیستماتیزه شده یا تدوین یافته (شناخت تیوریك) که در سطح بالا تری است و بصورت نظریات علمی وتیوریك تدوین شده است.

جدا شدن کار فکری از کار جسمی وامکان تفکر تیوریك یا نظری پایه پیدایش این نوع آگاهی است.

درین سطح عناصر شعور اجتماعی بصورت معارف بشری و دانشها در آمده است.

آن بخش از آگاهی اجتماعی درین سطح که سیستم نظریات تیوریك در باره جامعه استو در آن منافع طبقات و قشرها منعکس است، ایدیولوژی نامیده میشود.

در سطح افقی :

مقوله آگاهی اجتماعی به طور افقی بر حسب اشکال کیفیتاً متمایزان، تقسیم میگردد. مثلا شکل سیاسی، قضایی، زیبایی شناسی، هنری، علمی، فلسفی مذهبی اخلاقی و غیره. باید درنظر داشت که هر یك از این اشکال با هم در ارتباط اند و هر کدام دارای دو سطح مشخصن یکی عمومی و عادی و دیگری سیستماتیزه شده و مدون است. یعنی هر شکل از نظر تقسیم بندی افقی، دارای دوسطح از نظر تقسیم بندی عمومی است. مثلا سیاست یازیبایی شناسی را می توان هم در سطح آگاهی عامه و روحیه جامعه مطالعه کرد وهم در سطح نظری و مدون.

ت

جامعه شناسی تاریخی نشان میدهد که زندگی مادی، موجودیت عینی، هستی اجتماعی عامل اولیه و عنصر تعیین کننده بوده و حیات معنوی جامعه عنصر ثانوی و انعکاس زندگی و مشتق ازآن بشمار میرود.

- آموزش مترقی برای نخستین بار در تاریخ تفکر بشری نشان داد که :

اولا - این هستی اجتماعی است که درآخرین تحلیل روند های حیات معنوی جامعه را تعین میکند.

ثانیاً - در میان تمام مناسبات متنوع و گونا گون اجتماعی، مناسبات تولیدی، به مثابه مناسبات عینی، عنصر اساسی وهسته مرکزی هستی اجتماعی را تشکیل میدهد و بناء این آگاهی انسانها نیست که هستی اجتماعی را تعیین میکند بلکه بر عکس این هستی اجتماعی انسانها است که آگاهی شان راتعیین میکند.

جامعه شناسی تاریخی تاثیر متقابل و رابطه منطقی بین دو مقوله آگاهی اجتماعی وهستی اجتماعی را خاطر نشان میسازد و نقش فعال آگاهی اجتماعی را در مقابل هستی اجتماعی ثابت میکند که در نتیجه استقلال نسبی آگاهی اجتماعی نسبت به هستی اجتماعی جلوه گر میشود، اگر چه همانطور که گفتیم عنصر اولیه، قاطع و تعیین کننده - در آخرین تحلیل هستی اجتماعی است.

ث

اینك چند توضیح برای احتراز از اشتباه و روشن شدن مطالب و مرز بندی دقیقتر بین مقولات هستی اجتماعی، آگاهی اجتماعی، پایه (زیر بنا)، روبنا و ایدیولوژی.

۱- پایه یاپایه اقتصادی (که کلمه دقیقتر به عوض زیر بنا است) حیطه به مراتب کمتراز هستی اجتماعی را دربرمیگیرد و جزیی از آنست، اگر چه هسته اصلی آنست.

۲- رو بنا نسبت به آگاهی اجتماعی از یك نظر و سیعتر است و از نظر دیگر تنگتر و محدود تر است از آنجا که به جز از اندیشه و مکاتب وعلاوه بر آن ها، نهاد و سازمان ها و موسسات مربوط رانیزدر بر میگرد، وسیعتر از آگاهی اجتماعی است. اما از آنجا که ازبین اندیشه هاو مکاتب و نظریات تنها آن بخش را که دارای خصلت طبقاتی استو مستقیما ناشی از پایه (یا زیر بنای) مشخص شیوه تولید مربوطه است در بر میگیرد، محدود تر از آگاهی اجتماعی است.

۳- روبنا نسبت به ایدیولوژی حیطه و سیعتری رادربر میگیرد نه تنها از آنرو که نهاد ها و موسسات وسازمان های اجتماعی راهم علاوه بر اندیشه ها و مکاتب شامل میشود، بلکه از آنجا که روبنا نه فقط مکاتب و نیرو های اجتماعی دارای خصلت طبقاتی بلکه سطح غیر سیستماتیزه و عامه یی آگاهی طبقاتی را شامل میشود. در حالیکه ایدیولوژی تنها شامل مکاتب مدون و سیستماتیزه شده و میگردد و مربوط به سطح روان اجتماعی وروحیه عامه نیست.

دهقانیکه تا آخر انقلابی بود

او درنشیب های شرقی کوه افسانوی «چونغر» ولایت بغلان به جهان آمد • از روزیکه خودرا دریافته بود ، باکار ورنج بسر برد اما مغلوب اندوه فقر وخودکم بینی نگردید ، استوار بچهرهٔ آینده مینگریست و در جستجوی آرزوی گنگ ومبهم چشمان ژرف نگرش را بر کرانه های قابل رویت زندگی دوخته بود • مرد ذکی ودراک ، جسور و مصمم ، قامت افراشته ، عضلات قوی ، چهرهٔ مردانه وسنگین داشت •

او در میان دهقانان بی زمین بوجود آمد ولی درکرکتر سرکش وسنت شکن رشد کرد • مشکلات زندگی ونابرابری های اجتماعی اورابسوی صفوف حزب ماکشانید ، درحزب دریچهٔ جهان جدیدی بروی او گشوده شد • پاسخ تمام پرسشهای ذهنی خودرا در مدرسهٔ حزب دریافت وطوری بزنجیر حزب چنگ زد که دیگر هیچ نیرو وانگیزه ای دراوایجاد دودلی نتوانست • فقیرانه ولی باغرور یک انقلابی زندگی کرد • بزودی در محراق توجه دهقانانیکه به ندای زمان گوش داده بودند قرار گرفت • مرحلهٔ قدرتمندی امین جلاد را با استواری ومقاومت کم نظیر انقلابی در زندان سپری کرد • بربیم و هراس مرگ غالب آمد و مردانه بر مرز تعهد باقیماند •

پیوست رهایی از زندان بمبارزه مسلحانه علیه اشرار برخاست و در میدان نبرد زخم برداشت •

در برابرهجوم مرگ به لابه و زاری نه نشست چون مردان جهان ساز تاریخ با آرامش وجدان وخون سردی بسوی سرنوشت خود پیشرفت • با خوشبینی وایمان بآینده تبسم کنان دم فروبست وجهان را پدرود گفت •

دریاد داشت های شفاخانه جای تاریخ تولد شرا سپید گذاشتند و در دامن ورق نوشتند :

((جمال فرزند جلات منشی سازمان اولیه دهقانان ولسوالی پلخمری ، روز درگذشت ۳ ثور ۱۳۵۹ — نمبر مقبره ۱۵ — قطار ۲۹ — گورستان تپهٔ شهدا))

او تاریخ تولد نداشت ، سنش نامعلوم بود • ازخاطره های زندگی خصوصیش یکی اینبود که عشق سوزانی را گذشتانده بود ، با عشقش جسورانه برخورد کرد ویادگار آن چهار دختر صغیراست که اکنون شجاعترین پدر شانرا از دست داده اند • بنام مالکیت هیچ چیزی ازخود باقی نگذاشته وطوریکه همیشه تکرار میکرد ((از مرد باید مردانگیهایش باقی بماند)) فقط خاطرات پیکارها ومبارزات خود را برای اخلاف خود بجا گذاشته است •

((چونغر)) کوه محبوب راد وست داشت ودر شکل گیری های آن که بابهار و ابرهای مستش باسبزه وگلهای وحشیش قیافه ها وچهره های دلکش میگرفت ، خیره می شد وطوری درآن فرو میرفت که گویا با تمام وجود میمکیدش • من ((چونغر)) را درچشم وذوق اوشناختم و بهترین ترانه ها و شهکارهای شعر خودرا به آن وقف کردم •

بگذار به قهرمان خود ، به این دهقانزادهٔ بیسواد و تا پایان انقلابی پدرود رفیقانه بگوییم :

جمال سرور خیل مبارزان پدرود
جمال پرچم جنگ دلاوران پدرود
جمال روح نبرد آزمای سرکش خلق
جمال عسکر پیکار بی امان پدرود
به ننگ خلق کمر بستی وجدانشدی
توای عقاب جوانمرد آسمان پدرود
چو رود سرکش اندیشه جزومغزمنی
چگونه گفته توانم که جاودان پدرود
توای حماسه گر شعرجاودانی رزم
توای مسافر دریای بیکران پدرود
حقیقت گهر زندگی چه سر سخت است
که میتوان بچنین مرد قهرمان پدرود

* * *

تو زنده یی ونمیری چراکه دردل خلق
فروغ خاطره های دلاوران باقیست
هنوز گرمی سوزان عشق خفته بخون
چو شعله در دل داغان این جهان باقیست
همیشه دردل راهیکه رهروش بودی
طنین زنگ جرسهای کاروان باقیست
تو زنده یی وچنان زنده یی که بعد ازقرن
شکوه یاد عزیز تو بیگمان باقیست
توجاودانهٔ افسانه هاشدی یادت
بنام نامی ((دهقان قهرمان)) باقیست
توتاکه خلق برزمد نه مرد نیشده یی
صدای گرم تودر سینهٔ زمان باقیست
چنانچه عشق بقادرسرشت نوع بشر
شعار سرخ تودرشعر من چنان باقیست

* * *

تو در اسارت شبهای تارو ظلمانی
بیامد ی جهان و غلام خان بودی
به هرچه مینگرستی ، رهی نمیبردی
اسیرهیبت شبهاوبی زبان بودی
ولی ز عطر گل سرخ کوچک نوخیز
چنان دگرشدی گویاکه همچنان بودی
زبامداد نخستین طلوع سرخ نبرد
توپیشتاز و سرفراز و قهرمان بودی
ازآن دمیکه ترایافتم چو نور بهار
پرازصفایی وگرمی ومهربان بودی
نگاه تیز تو هرگز خطا نرفت از راه
تو تانهایت این جاده دیده بان بودی
تودرکشاکش شبهای تارو ظلمانی
چراغ راه نبرد مبارزان بودی
و در برابر هر موج سرکش گمراه
چو صخره محکم وبرجای وپرتوان بودی
و رودهای وفاو نبرد و عشق وامید
بهم یکی شده ، دریاشده ، توآن بودی

۵ ثور ۱۳۵۹

سلیمان لایق

در زمینهٔ هنر و ادب

داستان کوتاه — نوشته کلاله

یگانه آقای بالاباغی

رئیس صاحب پشت میز نشسته بود ، کارمیکرد • موهای ماش وبرنج افشانده ، عینک ذره بینی ، چین های پیشانی ، خاریدن گاه گاه گوش وگردن ویگان نگاه تهدید آمیزبه مگسی که به وقفه ها دور سرش چرخ میزد وبه نوک قلمش می نشست ، فقط این ها ازآن رئیس صاحب که دراتاق خود کارمیکرد جالب توجه بود •

چند ضربه آهسته به در زده شد وجوانی آراسته بادودلی داخل گردید ، سلام داد وکاغذ رابرمیز گذاشت • رئیس صاحب که کاغذ را خواند تمسخرکنان خندید وگفت :

بست نداریم • هرکس که از هرجا رانده شود ما موافقه بکنیم ؟ عجیب است !

جوان گفت : عفو میخواهم • من رانده نشده ام • فقط ازکارگران دفتر خسته شده بودم • اگر موافقه بکنید ازلطف تان زیاد ممنون خواهم شد • بسیارجستجو کردم ، تنها درهمین ریاست شما گفتند کمبود است •

رئیس صاحب گفت : بست ، به هرصورت پیدا خواهد شد • مگر این پهلوی نامت چه نوشته ای ؟ این پهلوی امضایت را بخوان !

جوان خواند : بالا باغی •

رئیس صاحب گفت : بالاباغی ؟

جوان گفت : بلی بالاباغی •

رئیس صاحب باکمی عصبانیت گفت : تو ، تو ازبالاباغ استی ؟

جوان گفت : بلی صاحب ازخود بالا باغ استم !

رئیس صاحب باعصبانیت بیشتر گفت : ازخود بالا باغ که من استم وازان سبب بالا باغی تخلص میکنم •

جوان گفت : به خداکه من هم از بالا باغ استم •

رئیس صاحب گفت : چرا دروغ می گویی ؟ از بالا باغ من خودم استم وتخلصم هم بالا باغی است ، دیگر کسی حق ندارد بالا باغی تخلص کند • رئیس صاحب اینرا گفته بارنگ سرخ بالای تخلص جوان چلیپا کشید • چین بر ابروی جوان افتاد وخون به صورتش دوید •

رئیس صاحب گفت حالا درست شد !

جوان گفت : هرطورمیل شماست • مگرخواهش میکنم مرابه اداره تان بپذیرید • دردل گفت بدون تخلص هم میتوان زندگی کرد ، خیر است •

رئیس صاحب گفت : در بست هشت کار میکنی ؟

جوان گفت : هربستی که باشد کارمیکنم •

رئیس صاحب اورا دربست هشت محاسبه به کار پذیرفت مگربه شرطی که دیگر تخلص بالا باغی راپهلوی نام خود ننویسد •

اتاق رئیس صاحب را از اتاق مامورین محاسبه یک دیوار تاتی جدا میکرد که حتی صدای سرفه ازآن میگذشت • میگفتند اتاق در آن عمارت کم نبود مگر به دستور خود رئیس صاحب چنان جایی برایش درست کرده بودند • اومی خواست شعبهٔ محاسبه زیرنظرش باشد وهرکسی که به نظرش خوب نمی خورد به آن شعبه میفرستاد • برای جوان هم دراتاق محاسبه میز وچوکی گذاشتند • چند روز گذشت • بین همکار نو ودیگران مزاح وشوخی آغازیافت • بازیک روز رئیس صاحب مصروف کاربود • صدای یکی ازمامورین شنیده شد : که این مکتوب را در این دوسیه مانده است ؟

دیگری جواب داد آقای بالا باغی •

مامور اولی گفت : توبالاباغی احمق هیچ به کاربلد نمی شوی !

رئیس صاحب دراین سوی دیوار مشتش را برمیز کوبید وفریاد زد : احمق تو استی ! میخواهی پدرت را ... کسر معاش کنم ؟

واز لغزش زبان خود سرخ شد • درآن سوی دیوار مامورین پخ پخ خندیدند •

مامور اولی عذرخواهانه گفت : خیلی بخشش میخواهم • زبانم بریده شود • من این همکار نو مارا گفتم • این هم میگوید تخلصش بالا باغی است •

رئیس صاحب گفت : میخواهی تازه همین اکنون ازدفتر جوابت بدهم من چشم سفیدی اورا ازهمان روز اول فهمیده بودم • رئیس صاحب سکرترخود را خواست وامرکرد که به همکار نو اخطار بنویسد که دیگراز تخلص بالا باغی قطعاً صرف نظر کند ، درغیرآن از دفتر اخراج خواهد شد • دیگرمامورین هم اورابه نامش سیف الدین صدا کنند وگرنه کسر معاش خواهند شد •

چند روز دیگر گذشت • سیف الدین خان کمی دل آزرده از رئیس صاحب به کارهایش مشغول بود • یک روز مرد ناشناسی آمد و از پیادهٔ دفتر رئیس صاحب پرسید : آقای بالا باغی همینجا کار میکنند ؟

پیاده گفت : رئیس را میفرمایید ؟

آن مرد گفت : اوهو ... به این زودی رئیس هم شده اند ، نام خدا !

پیاده خندیده گفت : بلی صاحب ، رئیس صاحب ما خیلی آدم شریف استند ! به دیدن شان آمده اید ؟ بفرمایید و در را بازکرد • آن مرد همینکه پا به اتاق گذاشت گفت : بالا باغی ، برادر تبریک همراه شیرینی • چطور شد که بایک خیز رئیس شدی ؟ مراهم یاد بده !

رئیس صاحب برافروخته به صورت مرد ناشناس خیره شد وآن مرد سراسیمه به چشمان رئیس صاحب نگاه می کرد • سخن در گلویش خشک شده بود •

رئیس صاحب گفت : این چه حرفهاست ؟ چه خیز ؟ کدام شیرینی ؟

آن مرد گفت : من ، من ببخشید آقای بالاباغی راکار دارم و گله آمیزبه سوی پیاده میدید • به دلش گذشت که شاید پیاده اورا بازیداده است مگر چرا ؟

رئیس صاحب گفت : بالاباغی ؟ اینک بفرمایید ! دستش را به سینه اش زد • آن مرد درحالیکه به سوی دروازه عقب میرفت گفت : نی نی صاحب ، من به شما کار ندارم •

رئیس صاحب با خشم فریاد زد : دراین ریاست دیگر بالاباغی وجود ندارد • فهمیدید ؟ بلی باید بفهمید !

و فوراً سکرتر را خواست امر کرد که اخطار بنویسد که اگر سیف الدین خان ازاد یواعلان نکند که ازتخلص بالا باغی صرف نظرکرده است ، ازدفتر اخراج خواهد شد • رئیس صاحب می گفت که در زندگی آنقدر بی حرمتی درحقش نشده بود که از دست این سیف الدین خان شد • ازآن روزبه رئیس صاحب سیف الدین خان رامامور سیفو صدا میکرد • می گفت : آقای بالا باغی برای یک رئیس ، سیف الدین خان برای یک مدیر ومامور سیفو برای یک کاتب مناسب است • سیف الدین خان بالاباغی گذشته و مامور سیفوی کنونی دیگر ناراضی تربه دفتر می آمد وگاهی که دوسیه یی را مجبورمی بود به رئیس صاحب ببرد ، کوشش میکرد که آنرا نبرد ! ونام مامور سیفو همه مزاح تازه یی بود که برای آزار ــ اد اد نش بر زبان مامورین افتاد •

* * *

((چی دخترم ؟ به انگلیسی ؟ تنها به انگلیسی ؟ پروا ندارد • من همان پیراهن ابریشمی راکه وعده کرده ام برایت میخرم • در رخصتی زمستانی انگلیسی بخوان ، امتحان بده ، کامیاب میشوی ... هیچ ناراحت نباش !)) رئیس صاحب گوشک راگذاشت وروبه مامور سیفو که کاغذ به دست در برابرمیزش ایستاده بود کرده گفت : چه میگویی مامور سیفو ؟ اول بروازمامورین تمام دفترهای ما بپرس که چه کسی انگلیسی خوب میداند • زود برو ! بعد بیابگو چه کارداری ! سر وقت میگویم اگرمعاش پیشکی می خواهی نمیشود ... امرنمیدهم برو !

مامور سیفو بعد ازیک ساعت با همان کاغذ باز امد وبه رئیس صاحب خبرداد که درتمام ریاست هیچکسی زبان انگلیسی نمیداند وکاغذ خود رابه نرمی برمیز رئیس صاحب گذاشت •

رئیس صاحب گفت : راستی هیچکسی انگلیسی نمیداند ؟

مامور سیفو گفت : صاحب یک نفر هم نیافتم •

رئیس صاحب گفت : شاید همه رانپرسیده ای ؟

مامور سیفو گفت : اطمینان میدهم که ازهریک پرسیده ام •

رئیس صاحب گفت : لعنتی ها معاش حرام شان است • بی کفایت اند ! رئیس صاحب به فکر فرو رفت ، عمیق ، وبعد از چند دقیقه با نوعی کنجکاوی پرسید : تو ، خودت چطور ؟ مثلیکه اصلاً اهل این کارها نیستی • همهٔ تان گل یک باغ استید !

مامور سیفو گفت : چرا رئیس صاحب من پنج سال انگلیسی خوانده ام وتصدیق تدریس هم دارم •

رئیس صاحب گفت : مامور سیفو ازاین دروغ کلان خجالت نمیکشی ؟

مامور سیفو گفت : میخواهید بروم ازخانه تصدیق خودرا بیاورم ؟ رئیس صاحب کمی به فکرفرو رفت واما زود مثلیکه فکری تازه تبسمی ساختگی رابرلبش شگوفاند •

رئیس صاحب گفت : ببین سیف الدین خان ، شاید تو تدریس دخترمرا به عهده بگیری ؟ دخترک تنها به انگلیسی ناکام مانده است ... چطور سیف الدین خان ؟

مامور سیفو گفت : عفو میخواهم رئیس صاحب ، مردی که آن روز به سراغ من آمده بود باعث زحمت شما گردید ازهمکاران سابق من بود ، پیغام رئیس صاحب دفتر خود را آورده بود که خواهش میکند تابه کار اولی خود برگردم • آنها مثلیکه به کارمن عادت کرده اند • واین هم درخواست من ، میخواهم موافقه بدهید به دفتر سابقم بروم • نمیتوانم بیشتر ازاین در ریاست شما کارکنم •

رئیس صاحب تقریباً التماس کنان گفت : ببین سیف الدین خان ، من خواهش میکنم ازاین تقاضا صرف نظرکن وچرا نامت را درست ننوشته ای • رئیس صاحب باقلم خود امضای مامور سیفو را به سیف الدین تصحیح کرد و درحالیکه به چشمان مامور سیفو دیده تملق کنان میخندید اصرار کرد : سیف الدین خان ، معاش پیشکی هم اگر کارداشته باشی امر میدهم •

مامور سیفو گفت : رئیس صاحب من معاش پیشکی نمیخواهم ، موافقه میخواهم •

رئیس صاحب گفت : ببین سیف الدین خان ، اگرکمک کنی واین درس انگلیسی را به عهده بگیری به دخترم زندگی میبخشی ... ومثل اینکه درکاغذ متوجه نکتهٔ دیگری شد وقلمش را گرفته پهلوی نام سیف الدین نوشت : بالا باغی • وبازهم باخنده ساختگی گفت : چرا ، چرا تخلص خودت را نمی نویسی • برادر اینطور درست امضا کن : سیف الدین بالا باغی وبازبی اعتنا به درخواست مامور سیفو شروع کرد به گپ زدن درباره دخترش ودرس انگلیسی • مامور سیفو که دید رئیس صاحب به هیچصورت حاضر نیست کاغذ را امضا کند ، آن را قات کرده به جیبش گذاشت وبه سوی دروازه روان شد •

رئیس صاحب ازقفایش صدا کرد : آقای بالاباغی ! آقای بالا باغی ! اما او جواب نداد • همین که از دروازه بیرون شد برگشته به چشمان رئیس صاحب دید و گفت : اشتباه میکنید • من مامور سیفو استم • خدا حافظ یگانه آقای بالا باغی !

هرکس که نواخواست به اوانرسید
سرگشته بماند وزاروبرمانرسید
ابی که نگشت همره رود قوی
درخاک فرورفت وبه دریا نرسید

سحابی استرابادی

هرجا یکه اتش نبرد یاست منم
برهرطرفی که تیره گرد یاست منم
ان شیرکه درصورت مرد یاست منم
پرچون که به هرجا یکه دردیاست منم

مسعود سعد سلمان

دو شعر از سیاوش «کسرایی»

آفتابی

دربسته است و پنجره بسته است
وپرده ها
تاب درو دریچه گرفته است .
اما زگوشه ای
از چشم ما نهان
می تابد آفتاب
بر دست ها و دفتر من و
گلدان .
زین تنگ گوشه نیز تواند
اندیشه لطف
بیرون رود زروزن پنهان
تا گردد آفتابی وگسترده
در جهان

آدمی

من شعله نیستم
من دود نیستم
من کوه نیستم
من رود نیستم
محدود نیستم
محدود نیستم به همین نقشهٔ تنم
بیرون زنقطه بند تنم بازاین منم
تا دوردست ، تا همه ، تا تو
ای آخرین ستارهٔ بیرون زکهکشان
آری منم زمان
آری منم مکان
نامم بلند در همه محدودهٔ خدا
مرزم کشیده تا پس دیوار این
جهان .